

بازنمایی جنسیت و فضا در متون تاریخی دوره ایلخانی

مریم کلبادی نژاد*
آرمان مسعودی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

چکیده

از دوره ایلخانی متون بسیاری در زمینه‌های مختلف به دست آمده است که با بررسی آنها می‌توان درکی روشن از اوضاع اجتماعی و سیاسی این دوره به دست آورد. در این گفتار، با استناد به برخی از مهم‌ترین متون تاریخی برجای مانده از این دوره، سعی بر درک نسبت میان حضور زنان و مردان در فضاهایی شده که شرح آن در متون این دوره آمده است. برای این کار، ابتدا فضاهای گوناگونی را که در متون تاریخی به آنها پرداخته شده، طبقه‌بندی نموده و در نهایت، روایت‌های مربوط به مناسبات میان زنان و مردان در هر فضا بررسی شده است. از جمله فضاهایی که در این متون بازنمایی شده‌اند، می‌توان به فضای اردو، کاخ، ابواب‌البر، بازار و ... اشاره کرد. بر مبنای این نوشتار، می‌توان فضاها را به صورت کلی به دو دسته تقسیم نمود: فضاهایی که خاص مغولان بوده و فضاهایی که مربوط به شهر دوران اسلامی است. آن‌طور که از متون برمی‌آید، نسبت حضور زنان در کنار مردان و در عرصه‌های بازنمایی شده مربوط به مغولان، بیش از حضور آنان در فضاهای شهری اسلامی است و تفکیک‌پذیری‌های جنسیتی فضایی هم‌چون حرم‌سرا، خرابات‌خانه و ایلچی‌خانه، عموماً در فضاهای شهری روایت شده‌اند تا فضای اردو.

کلیدواژه‌ها:

ایلخانی، جنسیت و فضا، متون تاریخی، شهر اسلامی، اردو.

بصناع ان
همراه ایرا

سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۹

(صفحات ۱۹۱-۲۰۶) ۱۹۱

* استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: maryam.kolbadi@gmail.com
** کارشناس ارشد باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۱. مقدمه

متون تاریخی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، اطلاعات گسترده‌ای از اوضاع اجتماعی و فرهنگی یک دوران را در لایه‌های زیرین خود نهفته دارند که پرداختن به آنها برای بررسی اوضاع اجتماعی دوره مورد نظر پژوهشگران گریزناپذیر است. ماهیت تاریخی متن است که مبنای پژوهش را مشخص می‌کند؛ حال فرقی ندارد که این متن، تاریخی، ادبی، زندگی‌نامه، تاریخ سیاسی، جغرافیایی یا شعر باشد. هر یک از این موارد می‌توانند زاویه‌ای از تاریخ مورد نظر را روشن نمایند. این نوشتار به یکی از جنبه‌های متن، یعنی بازنمایی فضاهای جنسیتی در منابع دوره ایلخانی اشاره دارد. در واقع، مناسبات میان فضا و جنسیت از مباحث بسیار مهمی است که پژوهشگران در تحلیل‌های فضایی از آن استفاده می‌کنند (Spain 1992, 48). از دوره ایلخانی، متون بسیاری برجای مانده که حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی و اجتماعی است و در خلال آنها می‌توان به رابطه دو سویه میان جای‌گیری جنسیت‌ها در فضاهای گوناگون رسید.

در مطالعات و باستان‌شناسی تاریخی، متن به عنوان سند تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است. تاریخ‌نگاران سنتی، متون را به مثابه واقعیت تاریخی در نظر می‌گرفته‌اند و باستان‌شناسان سنتی و متن‌گرا نیز اهمیت خاصی برای متون قائل بودند (پاپلی یزدی و مسعودی ۱۳۹۴، ۹۰). این نوع نگرش، از دو منظر قابل تأمل است: نخست، تمرکز صرف بر رویدادها که از نظر زمانی فقط بازه‌ای کوتاه مدت را در بر می‌گیرند که موجب عدم توجه به فرایندهای بلند مدتی که بستر و زمینه وقوع رویدادها را فراهم می‌کنند، می‌شود و دوم، محوریت دادن به رویدادهای تاریخ سیاسی و قشرهای خاصی از افراد و گروه‌های اجتماعی (دژم‌خوی ۱۳۸۸، ۱۶۶). در واقع، در این رویکرد، تاریخ فاتحان بیش‌تر غلبه دارد و تنها صدای شاهان است که روایت می‌شود. اما به مرور، با وارد شدن نگاه‌های تفسیری، چه تاریخ‌نگاران و چه باستان‌شناسان، نگاهی و رای مسایلی که ذکر شد به متون پیدا کردند. در حقیقت، در باستان‌شناسی، مطالعه متن، نه به‌عنوان یک واقعیت تاریخی، بلکه در کنار دیگر مواد فرهنگی، موارد مندرج در آن سنجش شده و در کنار دیگر مواد هم‌بستر خود تفسیر می‌شود. در این نگاه، متن به عنوان یک مصنوع و محصول تولیدشده در نظر گرفته می‌شود که تا پیش از تولیدش هیچ‌گونه موجودیتی نداشته است (Ingold 2007, 13) و ارجاع به آن، نه به خاطر سندی‌بودن متون تاریخی، بلکه ملاک بر تفسیرهایی با موضوعیت‌های خاصی است که می‌توان از خلال متون به آنها دست یافت.

در این گفتار از متن، خوانشی بر پایه فضاهای بازنمایی^۱ در دوره ایلخانی صورت گرفته است. فضاهای بازنمایی از جمله مباحثی است که هانری لوفور^۲، نظریه‌پرداز فرانسوی به شرح آن پرداخته است. بر اساس این رویکرد، می‌توان به‌واسطه متون، گامی مؤثر برای درک تولید فضاهای جنسیتی‌شده برداشت و در کل، مناسبات میان افراد در فضاهای گوناگون روایت‌شده در متون دوره ایلخانی را به دست آورد. به‌واسطه همین رویکرد است که می‌توان بررسی کرد چگونه فضاهای جنسیتی در متون تعریف می‌شوند و مناسبت‌های جنسیتی چگونه در داخل فضاها روایت می‌شوند. در این میان، نوع روایت نویسنده نباید از نظر دور بماند و در نهایت با تکیه بر متون می‌توان ضرابهنگ زندگی با نگاهی جنسیتی را در خلال فضاهای گوناگون بازنمایی شده بازتعریف کرد.

در این نوشتار از متونی استفاده شده است که به روایت تاریخ سیاسی دوران مغول و ایلخانان پرداخته‌اند: تاریخ جهان‌گشای جوینی به‌عنوان یکی از نخستین متون در این زمینه مورد نظر قرار گرفته است، به تاریخ مبارک‌غازانی جامع‌التواریخ نیز به عنوان منبعی که به دوره اسلام آوردن ایلخانان مغول پرداخته، اشاره شده و در نهایت تاریخ‌الجایتو به عنوان منبعی برای بررسی دوران پایانی سلسله ایلخانی مورد نظر قرار گرفته است.

این تحقیق بر پایه سه پرسش اساسی شکل گرفته است که عبارت‌اند از:

- ۱) نحوه بازنمایی فضاهای جنسیتی در متون ایلخانی چگونه است؟
 - ۲) با اسلام آوردن ایلخانان، چه تغییری در حضور زنان در عرصه‌های عمومی بازنمایی شده در روایات رخ داده است؟
 - ۳) حضور زنان با توجه به طبقات اجتماعی آنان در عرصه‌ها و فضاهای مختلف چگونه است؟
- برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها ابتدا فضاهایی که در متون روایت شده‌اند را از یکدیگر تفکیک نموده و در مرحله بعد، مناسبات حضور زنان و مردان در هر یک از فضاها بررسی شده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

از آنجا که متون بسیاری از دوره ایلخانی بر جای مانده است، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف تاریخی و شناخت اوضاع اجتماعی آن دوران بر اساس این متون صورت گرفته است (نک. بویل ۱۳۹۵؛ معدن کن ۱۳۷۵؛ لین ۱۳۹۰؛ مورگان ۱۳۸۰). پژوهش‌های زیادی نیز در خصوص اوضاع زنان در دوره ایلخانی انجام پذیرفته است. به عنوان مثال می‌توان به تحقیقات بیانی (۱۳۸۸) اشاره نمود که نخستین بار نگاهی به زندگی زنان مغول و ایلخان داشته است. بیانی در کتاب زن در ایران عصر مغول، این زنان را از لحاظ طبقاتی، سیاسی و اقتصادی بررسی کرده است و به ذکر چند نمونه از خاتونان بلندپایه پرداخته است. از طرف دیگر، تحقیقات دیگری نیز در خارج از کشور انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش نیکولا^۳ (۲۰۱۸) اشاره نمود که تا بدین لحظه آخرین تحقیق جامع در خصوص زنان ایلخان است. نیکولا در این تحقیق به جایگاه سیاسی خاتونان مغول و عاملیت آنان در پیشبرد برخی از سیاست‌های مهم عصر پرداخته است. همچنین به‌طور اخص روی برخی متون، پژوهش‌هایی در خصوص اوضاع زنان شده است که می‌توان به پژوهش روحانی و علیپور (۱۳۹۴) با عنوان «سیمای زنان در تاریخ جهانگشای جوینی» اشاره نمود. همچنین حیدری باباکمال و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی باستان‌شناختی جایگاه زنان دوره ایلخانی بر اساس متون و شواهد تاریخی و مواد باستان‌شناختی پرداخته‌اند.

از طرف دیگر، برخی تحلیل‌های فضایی در دوره ایلخانی صورت گرفته است (نک. آجرلو ۱۳۹۳). اما از ارزشمندترین پژوهش‌های این زمینه، می‌توان به مقاله شیبلا بلر (۱۳۸۷) اشاره کرد که در آن، بر پایه وقفنامه ربع رشیدی، تحلیلی از معماری و جامعه دوران ایلخانی عرضه شده است. اما در مجموع، در هیچ یک از موارد ذکر شده، نمی‌توان تحلیل‌هایی بر مبنای فضاهای جنسیتی و نسبت میان فضا و جنسیت را باز یافت. چنانچه مشاهده شد، تا پیش از این، عموماً تحقیقات بر مبنای تاریخ سیاسی - اجتماعی زنان ایلخانی بوده و یا خوانش‌های معماری و بافت‌های شهری مد نظر قرار گرفته است. نگارندگان در تحقیقی جداگانه سعی کردند که پیوند میان فضا و جنسیت را در نگاره‌های بر جای مانده از دوره ایلخانی تحلیل نمایند (کلبادی‌نژاد و مسعودی، ۱۳۹۸) و نوشتار حاضر در راستای تحقیق پیشین، سعی در تحلیل متون بر پایه برقراری ارتباط میان جنسیت و فضا دارد.

۳. چارچوب نظری: متن، فضا و جنسیت

نگاهی دو سویه به مفاهیم جنسیت و فضا از دهه ۸۰ میلادی به پژوهش‌های حوزه علوم انسانی وارد شد و خصوصاً جغرافیدانان فمینیست به آن پرداختند (Beebe et al. 2012, 525) که بر مبنای آن، به نسبت میان حضور زنان و مردان در فضاهای گوناگون پرداخته شد. یکی از مهم‌ترین مراجع در این زمینه، کتاب جنسیت و فضا اثر دافنه اسپین^۴ (۱۹۹۲) است که تحقیقات گسترده تئوریک را در این زمینه انجام داده است.

به‌صورت کلی ما با دو مفهوم در ارتباط هستیم. نخست، مفهوم جنسیت^۵ است. جنسیت به زعم جودیت باتلر، امری بر ساخته از ساختار اجتماعی و فرهنگی است و این گفتار فرهنگی است که هم جنس و هم جنسیت را برمی‌سازد (باتلر ۱۳۸۵، ۴۸). در این راستا، نقش مذهب و شیوه زیست را نمی‌توان کتمان کرد که هر یک در تعریف سیاست‌های جنسیتی در جوامع، نقش بلافصلی دارند (کدی ۱۳۹۵، ۵۳). در گفتمان اسلامی، وقتی به مبحث زنان و جنسیت می‌پردازیم، باید چند نکته را در نظر بگیریم: بحث پرده‌نشینی زنان به عنوان ایده‌آل اسلامی یک جامعه مسلمان، هم‌چنین موقعیت زنان در نظام طبقاتی و البته حقوق قانونی آنان در مورد مالکیت (احمد ۱۳۹۲، ۱۱۲). این موارد، نسبت حضور زنان در جامعه را با معیارهای اسلامی تعریف می‌کند.

از طرف دیگر، فضا نیز به تعبیر هانری لوفور، یک محصول اجتماعی است؛ محصولی که هر جامعه بنا بر شیوه و سنت خود آن را تولید می‌کند و البته در این فرایند نمی‌توان تأثیر ساخت‌های قدرت را نیز نادیده گرفت (لوفور ۱۳۹۵، ۴۷). در عین حال، فضاهای تولید شده در جامعه اسلامی، بر پایه شرع اسلام و معیارهایی چون محرمیت شکل می‌گیرد و جدایی حوزه‌ی فعالیت زنان و مردان در عرصه‌های عمومی از اصول اساسی شهرهای دوره اسلامی به شمار

می‌آمده است (پوراحمد و موسوی ۱۳۸۹، ۷).

به‌صورت کلی ما با دو مفهوم مواجه هستیم که هر دو به نوعی برساختهٔ اجتماع هستند. حال چگونه می‌توان مناسبات این دو مفهوم را در دل متون تاریخی بازجست؟ برای این کار، از آرای هانری لوفور استفاده شده است. لوفور در بحث تولید فضای خود، سه دسته فضایی را معرفی می‌نماید که شامل عملکردهای فضایی^۶، بازنمایی‌های فضای^۷ و فضاهای بازنمایی است. بررسی متون تاریخی در دسته فضاهای بازنمایی قرار می‌گیرد که به بُعد نمادین فضا اشاره دارد (مانند نقاشی‌ها، نوشتارهای تاریخی و...) (Lefebvre 1991, 13). به بیان دقیق‌تر، فضاهای بازنمایی، تجسم فضایی در متون و یا آثار تصویری است که به‌صورت غیر مستقیم به زندگی اجتماعی افراد درون فضا اشاره می‌نمایند (Elden 2004, 151). لوفور برای درک مفهوم فضا، این سه دسته را به صورت پایاپای بررسی می‌نماید. عملکردهای فضایی به تجربهٔ خود فرد در فضا اشاره دارد؛ بازنمایی‌های فضایی به اصول معمارانه و مهندسی‌سازانه فضاها اشاره دارد و فضاهای بازنمایی هم چنانچه ذکر آن رفت ساحت نمادین فضا را در قالب متون و آثار هنری بیان می‌دارد. در این تحقیق تنها چیزی که در بحث تولید فضا می‌توان به آن اشاره نمود، بحث فضاهای بازنمایی است چرا که فضاهای مورد بررسی هم‌اکنون از بین رفته‌اند و تنها بازنمایی آنها را می‌توان در خلال متون و یا آثار تصویری بازشناخت.

در فضاهای بازنمایی، آن‌چه که در متون تاریخی بسیار اهمیت دارد، درک مقوله زمان-فضا^۸ در متن است. بدین شرح که هر تحلیل مطالعات زبانی، بر مبنای ویژگی‌های مقولات زمانی و مکانی است که در فضای زبان نیز بازنمایی می‌شود. زمان مورد نظر ما، یکی از چالش‌برانگیزترین زمان‌های تاریخی است: حملهٔ مغولان به ایران و بنیان‌گذاری سلسلهٔ ایلخانان. غلبهٔ یک گروه غیر مسلمان بر مسلمانان و سپس اسلام آوردن ایلخانان، از جمله موارد بسیار مهمی است که در این تحقیق باید بدان توجه نمود. تقابل زندگی یکجانشینی و غیر یکجانشین، در متون برجای‌مانده به وضوح نمود دارد و از همین روی، نوع روایت حضور زنان و مردان توسط تاریخ‌نگاران از دید زمان-فضا نیز بسیار قابل تأمل است.

۴. تاریخ‌نگاری‌های عصر مغول

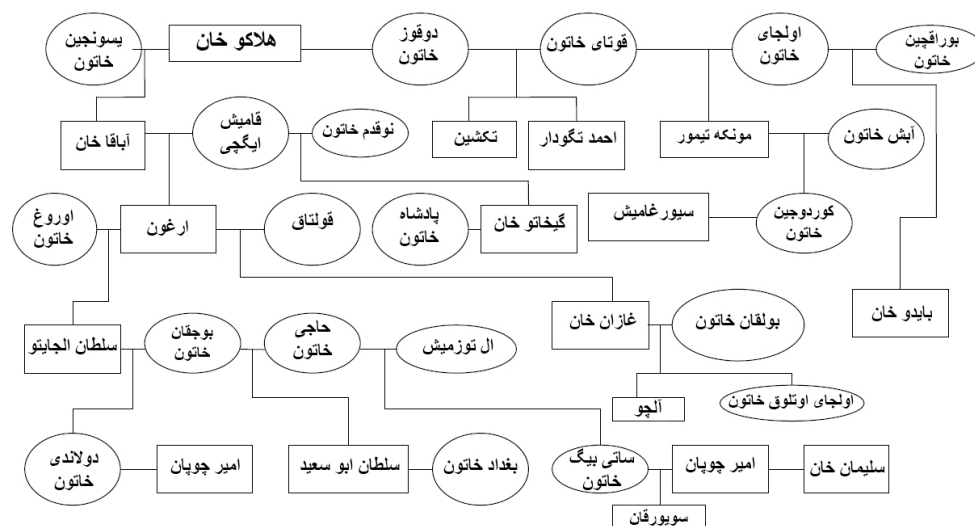
شاید یکی از دلایل پیشرفت تاریخ‌نگاری دوره مغول را بتوان علاقهٔ آنان به ثبت فتوحات و تفاخر قبیله‌ای آنها دانست. مغولان، قبل از ورود به ایران نیز به تاریخ‌نگاری علاقه داشتند. از مهم‌ترین متون برجای‌مانده از آن دوره، تاریخ سری مغول است که به زندگی چنگیزخان و به قدرت رسیدن او اشاره دارد (نک. پلیو ۱۳۸۲). هم‌چنین مجموعه قوانین چنگیزی موسوم به یاسای چنگیزی از دیگر متونی است که از مغولان به یادگار مانده است. بسیاری از مراجع تاریخ‌نگاری خواجه رشید و البته جوینی، بر مبنای متون مغولی بوده است. در متون یاد شده، نکات ارزشمندی در خصوص زنان مغول درج و به موقعیت اجتماعی آنان توجه شده است.

بنا بر سنت مغول، زن در قبیله دوشادوش مرد کار می‌کرد، از حقوقی مساوی با او برخوردار بود و هیچ فعالیتی، حتی ریاست ایل، شکار و جنگ به تنهایی اختصاص به مرد نداشت (بیانی ۱۳۸۸، مقدمه یک). زنان مغول از لحاظ طبقه اجتماعی‌شان نیز قابل بررسی هستند. زنان طبقه اشراف، دارای بارگاه و اردوی جداگانه بودند و خود به حل و فصل امور می‌پرداختند. زنان طبقه متوسط نیز دارای قدرت و اختیارات بسیار زیادی بودند و عموماً گردانندهٔ چرخ اقتصادی و اجتماعی بودند (همان، ۱۱۱) و طبقه آخر، مربوط به بندگان و کنیزان می‌شده که بیش‌تر اسرای جنگی بوده و به خدمت اربابان مشغول بودند و اغلب به‌عنوان هدیه از طرف سلاطین، به شخصیت‌های مهم و فرماندهان بخشیده می‌شدند. این گروه، فاقد ثروت شخصی بودند.

بعد از ایلخان شدن مغولان، خاستگاه تاریخ‌نگاری آنان بر عهدهٔ طبقه دیوانی بود و «اعضای این طبقه که در انشاء و کتابت و ترسل به درجه‌های اعلائی از پروردگی و استواری رسیده بودند، امور دیوانی مغولان را در اختیار داشتند و به سبب اسناد و مدارک و جریان وقایعی وقوف می‌یافتند که دیگران را در دسترسی بدان امکانی نبود» (آژند ۱۳۸۰، ۹۵ - ۹۶). از طرف دیگر، از آن‌جایی که طبقهٔ دیوانسالار، روابط خوبی با حکام وقت داشتند، تاریخ را مطابق میل آنان می‌نوشتند و بیش‌تر تواریخ این دوره، بی‌طرفانه نیست و سوگیری‌های مؤلف در آنها مشهود است. اما در مجموع، در تاریخ‌نگاری این

دوره، شاهد رشد ملموسی از لحاظ کمی و کیفی هستیم و شیوه‌های جدیدی در تاریخ‌نگاری این دوره پدید آمد (مورگان ۱۳۸۵، ۱۵۷). منابع این دوره، از لحاظ زبان‌ها و سبک‌های مختلف تنوع زیادی دارند. همچنین نقش اسناد و منابع در تألیف کتب تاریخی پر رنگ شد و کلمات مغولی نیز به وفور وارد تاریخ‌نگاری ایران گردید (نک. طبری ۱۳۸۵). متأسفانه، توجه مورخان این دوره نیز غالباً معطوف به طبقات بالای جامعه، یعنی طبقه حاکمه و دیوانسالاری است و شرح طولانی جنگ‌ها، مسائل اجتماعی و طبقات فرودست در جامعه را می‌توان در حواشی متون و در خلال روایت‌های فاتحانه آنها بررسی نمود.

یکی از نکاتی که باید بدان اشاره نمود، توجه تاریخ‌نگاران به خاتونان و در کل زنان ایلخان است. در بیش‌تر متون تاریخی، اشاره‌های زیادی به زندگی زنان ایلخان شده است (تصویر ۱). از لحاظ موضوعی، متون برجای مانده از این دوره، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان به موضوعات تاریخی و جهان‌گشایی، سفرنامه، ادبیات عامه و کهن، وقفنامه، صوفیانه و ... اشاره نمود.



تصویر ۱: نمودار خاتونان و ایلخانان مغول، نام خاتون‌ها به صورت دایره مشخص شده است (Nicola 2018, 92).

بررسی‌های صورت گرفته در این گفتار، از سه کتاب تاریخی تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ مبارک غازانی و تاریخ الجایتو است. از لحاظ زمانی، این سه کتاب به ترتیب تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. البته از متون دیگر هم برای تبیین برخی موارد استفاده شده است.

۵. تاریخ جهانگشای

این کتاب به قلم علاءالدین عطاملک محمد الجوینی نگارش شده است. جوینی که از خاندان‌های صاحب دیوان و معتبر بوده در جوانی وارد کارهای دیوانی شد و وارد دربار امیر ارغون آقا، حکمران خراسان گردید. کتاب تاریخ جهانگشای در سه جلد، به شرح ظهور چنگیزخان و فتوحات وی، همین‌طور به سرگذشت خوارزمشاهیان و حکام مغول ایران، فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح پرداخته است. منابع مورد استفاده این کتاب نیز بر پایه مشاهدات نویسنده و البته منابع مغولی چون تاریخ سری بوده است (جوینی ۱۳۸۹، ۲۷-۳۱). توجه عطاملک جوینی به زنان در تاریخ جهانگشای، در وجوه مختلفی قابل بررسی است، خصوصاً از نظر طبقات

سیاسی و اجتماعی. در کتاب او، زنان و مردان با وصف‌های عموماً تنانه شرح داده شده‌اند، به عنوان مثال، زنان در تاریخ جوینی با عناوینی چون: ماه‌پیکر، پری‌وش، لطیف‌منظر، دلبر ماه، پری‌چهرگان، زیبا اندام، عورت، جاریه میله، فتانه، حور، مبطنات (زنان میان باریک) توصیف شده‌اند. در وصف مردان نیز الفاظی چون: خوش پسر، لطیف‌منظر، ضخامت‌جثه و ... به کار برده شده است.

در کنار این موارد، عموماً زنان بر مبنای طبقات اجتماعی‌شان نیز معرفی شده‌اند. مهم‌ترین گروه برای وصف زنان ترک و مغول، واژه خاتون است که به معنای بانوی عالی‌نسب است. همچنین واژگانی چون آبکار (دوشیزگان)، حاضن (زن پارسا/دایه)، حظیه (زن گرمی/دلارام) از دیگر توصیفات است که برای زنان طبقات بالا به کار برده می‌شود. اما زنان در دیگر طبقات اجتماعی نیز در تاریخ جهانگشای نمود دارند، چون قوم‌ها، کنیزان، دایه‌ها و زنان عادی که عموماً در شرح کشورگشایی‌ها به تصویر کشیده می‌شوند.

در سه جلد کتاب تاریخ جهانگشای و در ذکرهای متعدد آن نسبت به رخداد‌های مختلف، او چهار ذکر را به خاتونان اختصاص داده است که شامل: ذکر توراکینا خاتون، ذکر فاطمه خاتون، ذکر احوال اغول غامیش خاتون و پسران او و در نهایت ذکر والده سلطان ترکان خاتون است (تصویر ۲). اما نام و عاملیت زنان مغول، بیش از چیزی است که نویسنده، در این ذکرها بدان اشاره نموده است. در واقع، در طول متن با نام خاتونان مغول بسیار زیادی مواجه می‌شویم، چون یسونجی بیکی (همان بورته فوجین)، سرفوقیتی بیکی (از محبوب‌ترین خواتین تولوی و مادر چهار پسر: قوبلای، منکو، هُلاکو و اربق بوکا)، موکا خاتون، یسلون خاتون، غامیش خاتون و ...



صناعان همراه ایرا

سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۹
۱۹۶

تصویر ۲: ذکر خاتونان، تاریخ جهانگشای جوینی، نسخه محفوظ در کتابخانه ملی پاریس (SUPPL Pers, 205).

۶. تاریخ مبارک غازانی

این کتاب، جلد اول جامع‌التواریخ به قلم خواجه رشیدالدین فضل‌الله طیبی بوده است. خواجه رشید، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های دوره ایلخانی به‌شمار می‌رود که وزیر غازان‌خان بوده و فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه موقوفات و اصلاح امور اجتماعی ترتیب داده است (نک. رجب‌زاده ۱۳۵۵). منابع مورد استفاده خواجه رشید در این مجموعه، اسناد رسمی مغولی چون آلتین دتبر یا دفتر زرین بوده است (بوئل ۱۳۸۰، ۱۰۹). به عقیده چارلز ملویل، یکی از ویژگی‌های برجسته تاریخ‌نگاری خواجه رشید، صراحت بیان فوق‌العاده او در نشان دادن عیوب حکومت‌های اولیه

مغولان در ایران بوده است (ملویل ۱۳۹۳، ۲۱۲).

این مجلد از جامع التواریخ از آن نظر مهم است که مربوط به یکی از مهم‌ترین رخداد‌های اجتماعی-سیاسی دوران ایلخانی یعنی بر تخت نشستن غازان خان و مسلمان شدن اوست (همان، ۲۱۴). غازان خان در این دوره، دست به اصلاحات زیادی می‌زند که در آن برخی از موارد جنسیتی نیز نمود دارد (تصویر ۳). خواجه رشید، از غازان خان همراه القاب زیادی چون پادشاه اسلام و خلد ملکه نام می‌برد که نشان از مسلمان بودن ایلخان دارد. در این مجلد نیز خاتونان مغول حضوری پر رنگ دارند و هیچ از عاملیت آنان کاسته نشده است. در تاریخ مبارک غازانی، نام‌های زیادی از خاتونان برده شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اشل خاتون (باشیل خاتون / اشیل خاتون)، ایلتوزمیش: خاتون معظمه، ایل قتلغ: دختر گیخاتو، بلغان خاتون (بولغان خاتون)، بوغان خاتون بزرگ (فضل الله همدانی ۱۳۵۸، ۴۰-۷۰)، بولغان خاتون خراسان (همان، ۸۶-۱۱۱)، بوغان خاتون معظمه (همان، ۶۲-۶۴-۱۵۹)، تورمیش خاتون (ترمیش خاتون) (همان، ۲۸-۳۱)، تودای خاتون (همان، ۶۳)، توقتای خاتون، توقتی خاتون، چنی خاتون (همان، ۱۰۰) و ...

در این مجلد، خواجه رشید شرح دقیقی از خاتونان غازان خان ارائه می‌دهد (همان، ۱۴-۱۵) و در ادامه، تمامی اقدامات و اصلاحات ساختاری غازان خان را شرح می‌دهد که البته خود او نیز در انجام این اصلاحات نقش بالافصلی داشته است.



تصویر ۳: برگی از جامع التواریخ، مربوط به اصلاحات غازانی، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس (113.1513, 113). (SUPPL.)

۷. تاریخ الجایتو

این کتاب، تاریخ چهارده ساله دوران ایلخانی را روایت می‌کند (۷۰۴-۷۱۷ ه.ق) و به قلم عبدالله بن علی کاشانی نگاشته شده و در برگزیده وقایع زمانه سلطان الجایتو، محمد خدابنده بوده است. این کتاب، بعد از تاریخ جهانگشای و جامع‌التواریخ، دوران پایانی ایلخانان را روایت می‌کند. در این کتاب، به نام حدود ۱۵ خاتون اشاره شده است (اروک خاتون، الترمیش خاتون، اولجتان خاتون و...). هم‌چنین در روایات این کتاب نیز به وفور به درگذشت و مراسم وفات افراد و خواتین اشاره شده است (القاشانی ۱۳۴۸، ۸۲ و ۸۹).

یکی از ویژگی‌های این کتاب، اشاره به تناقضات میان شریعت اسلام و یاسای مغول است که در میان مغولان رایج بوده است و خصوصاً در مناسبات جنسیتی بسیار نمود دارد. برای درک این موضوع بهتر است به این بخش از تاریخ الجایتو اشاره شود: مذهب شما به طعن و قدح اولی است و بی‌تحاشی و عاقبت اندیشی مسئله جواز نکاح ام و اخت ایراد کرد که به مذهب شما موجب آنست که اگر بعد از آن نکاح آن مادر یا آن برادر به آن خواهر که در نکاح آورده باشد و طی کند... با مادر یا خواهر یا دختر زنا کند، حد آن زنا به سبب آن عقد نکاح سابق ساقط شود... پادشاه برخاست و خشمگین به وثاق خود آمد و قتل‌غشاه نویان به دیگر نویان می‌گوید: این چه کاری که ما کردیم و یاساق و بیسوق چنگیز خان بگذاشتیم و دین کهنه عرب درآمدیم که به هفتاد و اند قسم موسوم است... که در یکی با دختر نکاح و در دیگر با مادر و خواهر زنا جایزست و نعدبالله از هر دو! ما با یاساق و بیسوق چنگیزخان رجوع می‌نماییم (همان، ۹۷ - ۹۸).

۸. نسبت میان حضور زنان و مردان در فضاهای توصیف شده

الف) فضاهای عمومی / اجتماعی

فضای عمومی، گستره زیادی را شامل می‌شود و عرصه‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است. عرصه‌هایی چون فضای اردو، شکارگاه، بازار، مراسم تدفین و... در این گونه فضاها، تمامی قشرهای زنان و مردان حضور دارند. از خاتونان بلند مرتبه تا گدا بان. به عنوان مثال می‌توان به روایتی از تاریخ جهانگشای اشاره نمود که در آن موکاخاتون همراه با قآن در فضای شکارگاه حضور دارد: دیگر در شکارگاه بود شخصی خربزه دو سه آورد و چون پیش او بردند جماعتی که پیش او بودند بالش و جامه معد نداشتند. موکا خاتون پیش او حاضر بود و دو دانه مروارید مانند فرقدین که بمقارنت قمر منیر مسعود باشد در گوش داشت. فرمود که این مرواریدها بدو باید داد... بر وفق اشارت مرواریدها بدو داد. درویش شادان بازگشت و مرواریدها را بانک بهایی بدیناری دو هزار بفروخت... خرند... این هر دو مروارید را بحضرت او می‌برد و در آن ساعت موکا خاتون در پیش او حاضر... (جوینی ۱۳۸۹، ۳۰۸ - ۳۰۹).

چنانچه مشاهده شد، این متن جنبه تبلیغاتی برای دستگاه حاکمیت داشته است و نکته قابل تأمل آن، برخورد خاتون بلند مرتبه با یک فرد عادی در فضای شکارگاه است. در این روایت، هیچ‌گونه محدودیتی در برخورد مردم عادی با خاتونان بلند پایه مطرح نشده و در واقع، فضای شکارگاه را در راستای دیدار بلافصل حاکمان با مردم عادی طبقه‌بندی نموده است. از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین فضاهایی که در متون تاریخی به آن پرداخته شده، فضای اردو است. اردو، فضایی خاص برای مغولان به‌شمار می‌آید. با استناد به متون، خود فضای اردو، از سلسله مراتب زیادی برخوردار بوده و راه‌یابی به هرگونه مراسمی که در اردو انجام می‌پذیرفته، منوط به طبقه اجتماعی افراد بوده است. با این وجود عموماً در منابع، زنان و مردان تماماً در کنار یکدیگر و بدون هیچ‌گونه محدودیتی در فضای اردو روایت شده‌اند. خاتونان، شاهزادگان، طبقه نظامیان و دیوانیان، و البته مردمان عادی در این فضاها حضور پررنگی دارند. کنیزان، غلامان، مطربان از دیگر گروه‌هایی هستند که در این فضا روایت شده‌اند. در روایت‌هایی که از فضای اردو در متون شده است، نمی‌توان فضای جنسیتی خاصی را معرفی نمود که نشان از اختصاص یک فضا به جنس خاصی باشد. شاید بتوان فضای اردوهای خاتونان را با احتیاط فراوان، به‌عنوان تنها فضای جنسیتی اردوهای مغول دانست. هرچند که این موضوع با استناد به رفت و آمدهای آزادانه افراد به فضای اردوها چندان متقن نیست و می‌توان فضای جنسیتی اردوهای خاتونان را به یورت‌های آنان محدود نمود. حضور زنان در این فضاها و در میدان‌های مختلفی قابل بررسی است: در جلسات سیاسی، انتخاب جانشین، شکار

و جنگ، ساخت و ساز و ... که در همگی این موارد، زنان حضوری پر رنگ دارند.

لازم به ذکر است که در متونی چون تاریخ جهانگشای، روایت‌هایی از تجاوز به زنان در فضای اردوها شده است. به صورت کلی، طبق این روایات، در فضای اردو، زنان یا مورد تجاوز قرار می‌گرفتند یا دختران اسیر به خانان مغول هدیه داده می‌شدند و در یورت‌های آنان فعالیت می‌کردند. به عنوان مثال می‌توان به این بخش از تاریخ جهانگشای جوینی اشاره نمود: مادر او موجی بیه کنیزی بوده است در اردوی بیسولون، خاتون شیعی جامه خواب می‌انداخت و خاتون بیرون رفته بود چغتای او را کشیده و حامله گردانیده بدان سبب او را زیاده اعتباری ننهاد و لشکر و ولایت بدو کمتر داده و او را یازده پسر بوده‌اند (همان، ۱۵۸). و حال ولادت او چنان تقریر کرده‌اند که پیش از این چنین رسم بوده که زنان ابوفلانان در اردوها جمع می‌شدند جهت کار کردن، روزی مواتوکان در اردو رفت زنان انبوه دید یکی صاحب جمال را بگوشه برد و با وی جمع شد و در خاطر اوی آمد که یمنک حامله شده باشد. فرمود که او را از شوهر جدا کرده نگاه دارند اتفاقاً حامله شده بود بوری از وی در وجود آمد و باز او را با شوهر دادند و این بوری بغایت متهور و شجاع بود... و بجایی رسید که در عهد منوککا قان بوقتی شراب می‌خورد بانو را بسبب دشمنی که در دل داشت دشنام می‌داد (همان، ۱۶۳-۱۶۴).

غیر از تاریخ جهانگشای، در سفرنامه ابن بطوطه نیز، نویسنده به اردوی ابوسعید و هم‌چنین اردوی زرین اشاراتی داشته است. وی از اردوی زرین در زمان سلطان محمد ازبک، به حضور گسترده خاتونان اشاره می‌کند که دارای لباس‌های زیبا و هر یک دارای تختی جداگانه و کنیزان زیاد بودند (ابن بطوطه ۱۳۷۰، ۲۵۱). ابن بطوطه، به توصیف هر یک از این خاتونان و صحبت‌هایی که با آنان داشته می‌پردازد. اما در باب اردوی ابوسعید چنین می‌نویسد: سلطان و غلامان او در اردوی جداگانه‌ای منزل می‌کردند، خاتونها نیز هر یک اردویی جداگانه داشتند. هر اردو پیشنماز و مودن و قاری و بازار خاص داشت. وزیران و دبیران و کارمندان مالی نیز جداگانه منزل می‌کردند ... هنگام حرکت، نخست کوس بزرگ را فرو می‌کوفتند و بعد طبل ملکه یا خاتون بزرگ به صدا در می‌آمد و آنگاه طبلهای خاتون‌های دیگر و طبل وزیر زده می‌شد (همان، ۲۸۳).

اما یکی دیگر از مواردی که در متون تاریخی ایلخانی بسیار به آن پرداخته شده، عرصه‌های مربوط به مرگ و عزاداری و تدفین خان‌ها و خاتونان است. تا پیش از اسلام آوردن مغولان، مکان دفن ایلخانان عموماً نامشخص بود و مقبره‌ای ساخته نمی‌شد، هرچند که تشییع جنازه و مراسم عزاداری با حضور زنان و مردان صورت می‌گرفت. اما بعد از اسلام آوردن غازان خان، ساخت مقبره برای ایلخانان رایج شد. تشییع جنازه نیز هم‌چنان با حضور زنان و مردان صورت می‌گرفت. در متون آمده است که صندوق حاوی ایلخان فوت شده، چند روز در اردوهای خاتونان برده می‌شد و در آنجا عزاداری صورت می‌گرفت. همین‌طور، برای مرگ خاتونان هم مراسم عزاداری برگزار می‌شد. به عنوان مثال می‌توان به روایت‌های زیر از تاریخ مبارک غازانی اشاره کرد:

* حکایت: وفات کرمون خاتون و نقل مرقد او به تبریز ... کرمون خاتون دختر ... بموت مفاجه وفات یافت در قشلاغ حدود سرای جومه و مرقد او را با آیین هر چه تمامتر بتبریز نقل کردند و چون او در غلوائی جوانی بود و از دنیا تمتع نیافته پادشاه اسلام را مرگ او بغایت سخت آمد و از آن واقعه متالم خاطر گشت و بعد از واقعه در اوردوی او حاضر شد و بسیار بگریست... و بعد از آنکه صندوق او را نقل کردند بهر وقت که او را یاد فرمودی آب در چشم مبارک آوردی... و در تمامت شهرها ممالک ایران زمین منارها را پلاس در پوشیدند و در بازارها و شوارع و میدان گاه بریختند و بزرگ و کوچک، مرد و زن جامها دریده پلاس پوشیه هفت روز تعزیت داشتند... خلق شهر بیکبارگی از سر عجز و بیچارگی جامها کبود کرده ... (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸، ۱۵۷ - ۱۶۱).

* از سورت حرارت عزا و خو و فترت مرارت این ماتم، خوانتین حورالعین و امرا و نوبینان گزین و خاصگیان و ایناقان حزین و غمگین بل جمله خلایق صبح و ارجامه‌ها دریده و شفق‌وش رخساره به خود دل خراشیده، گریبان دریده و موپها بشولیده (همان، ۲۲۳).

* اردوی قونوقتای خاتون و روز دوم در اردوی قونلق خاتون و روز سوم در اوردوی چابوی خاتون که در آن سفر در خدمت بود و روز چهارم در اوردوی کببیا خاتون هر روز در اردویی صندوق را بر تختی می‌نهادند و بسوزی هر چه تمامتر بر وی زاری

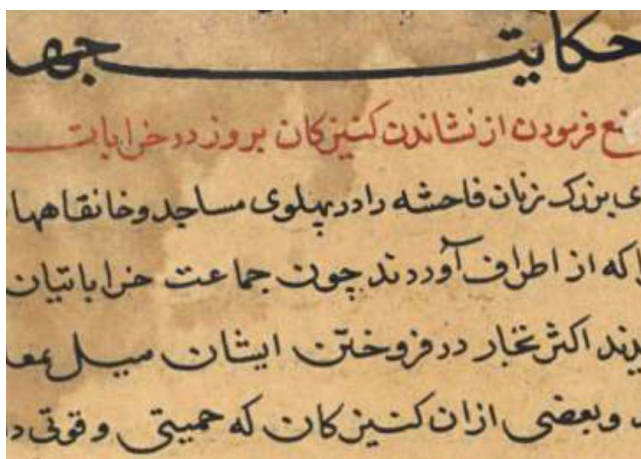
می‌کردند و بعد از آن او را در موضع بولقان قالدون... (مراسم مرگ و عزاداری) (همان، ۳۳۶).
 از دیگر روایت‌هایی که در این دسته قرار می‌گیرند، عرصه‌هایی مربوط به جنگ و نبرد است. بر طبق روایات، زمانی که مغولان به منطقه‌ای حمله می‌کردند، زنان و مردان و کودکان را به جایی بیرون شهر برده و اکثر آنان را قتل عام می‌کردند. در این روایات برای توصیف بیش‌تر و احساسی‌تر نمودن رخدادها، از توصیفاتمانند پری‌وشان و ماه‌بیکران، شیرین‌جمال و... استفاده شده است. زمانی که خانی به قبیله‌ای خشم می‌گرفت، یکی از انواع مجازات‌ها این بود که زنان و دختران قبیله‌خاطی را به خرابات‌خانه‌ها می‌فرستادند تا «خدمت وارد و صادر کنند» (جوینی ۱۳۸۸، ۱۷۸).

نکته قابل تأمل دیگر، استفاده از واژه خلق در این رخدادهاست که خصوصاً در تاریخ جهانگشای از آن استفاده شده است. همان‌طور که می‌دانیم خلق، مفهومی جمعیتی متشکل از افراد با جنسیت‌ها و سن‌های مختلف است، هرچند که گاهی نویسنده در کنار واژه خلق، از عناوینی چون زنان و کودکان نیز استفاده کرده است: «تمامت خلق را با زنان و فرزندان ایشان...» (همان، ۲۶۳). انگاری که نویسنده، وجهی کاملاً مردانه به مفهوم خلق بخشیده است.

در فضاهاى عمومی شهر و ابواب البرّ نیز نمونه‌هایی را می‌توان در تاریخ مبارک غازانی یافت. همان‌طور که ذکر آن رفت، غازان خان، بعد از اسلام آوردن، اصلاحات زیادی را در ساحت‌های مختلف اعمال کرد که برخی از این موارد، وجهی جنسیتی در فضاها دارد. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* **حکایت سی و هشتم:** در ساختن ایلچی‌خانه‌ها در ممالک و منع فرمودن ایلچیان را از فروآمدن بخانه‌های مردم (فضل‌الله همدانی ۱۳۵۸، ۳۵۶) که در این بخش، روایت‌های متعددی آورده می‌شود که به‌واسطه نبودن ایلچی‌خانه‌ها، مردم و فضای خصوصی آنان چون خانه، مورد تعرض نیروهای مغول قرار می‌گرفت. نویسنده سعی می‌کند که این موضوع را ریشه‌ای جلوه دهد. غازان خان، با ساخت و ساز زیاد ایلچی‌خانه‌ها، ایلخانان را از ورود به خانه‌های مردم عادی بازداشت. به عنوان مثال: *ای امرا و وزرا و حکام، روا می‌دارید که من مردی پیرم و عورتی جوان دارم و پسران من بسفراند و هر یک عورتی جوان درخانه گذاشته و دختران نیز دارم و ایلچیان بخانه من فروآمده‌اند همه جوانان چابک و خوب روی مدتی شد تا در خانه من اند و آن زنان ایشانرا می‌بینند... نگاه نتوانم داشت و بیشتر مردم را همین حالت واقع است چنانکه میبینم چون تدبیر برین نمط است تا چند سال دیگر درین شهر یک بچه حلال زاده به دست نیاید و تمامت ترک زاده و یکدش باشند* (همان، ۳۵۹).

* **حکایت چهارم:** در منع فرمودن از نشاندن کنیزکان بزور در خرابات: یکی از مهم‌ترین اقدامات غازان خان، محدود کردن حضور فاحشه‌ها در سطح شهر به شمار می‌آید و هم‌چنین تصویب قانونی که اگر کنیزی تمایلی به فاحشگی نداشت، می‌تواند از این کار بیرون بیاید (تصویر ۴):



تصویر ۴: بخشی از تاریخ مبارک غازانی، نسخه کتابخانه ملی پاریس (SUPPL. 1113.1513, 272).

همواره در شهرهای بزرگ زنان فاحشه را در پهلوی مساجد و خانقاهات و خانهای هر کس می‌نشاندند و نیز کنیزکان را که از اطراف می‌آوردند چون جماعت خراباتیها ... موافقت از دیگران می‌خرند اکثر تجار در فروختن ایشان میل بمعامله آن جماعت می‌کردند و بعضی از کنیزکان که حمیتی و قوتی داشتند در نفس خود نمی‌خواستند که ایشانرا بخرایات فروشند و باجبار و اکراه می‌فروختند و بکار بد می‌نشاندند پادشاه اسلام خلد ملکه فرمود که خرابایات نهادن و زنان فاحشه نشانیدن اصلا کار محظور و مذموم است و دفع رفع آن از واجبات و لوازم لیکن چون از قدیم الایام باز جهت بعضی مصالح در آن باب اهمال نموده‌اند و آن قاعده مستمر گشته دفعه واحده منع آن متمشی نگردد بتدریج سعی باید نمود تا بتانی مرتفع گردد حال عورتانی که ایشانرا میل بان کار نباشد و بالزام فرمایند از آن ورطه خلاص یابد داد چه جهد بسیار باید کرد تا ناقصی را کامل گردانند آنرا بخصلتی بد میل نبود او را باکراه بر آن داشتن ظلمی صریح باشد و عظیم بد و نالایق است. بدان صعب یرلیغ اصدار افتاد که هر کنیز که او را میل بخرایات نباشد او را با آن جماعت نفروشد و آنچه در خرابایات اند و از خرابایات بیرون آرند و بشوهری اختیار کنند بدهند (همان، ۳۶۴).

در متن فوق، نویسنده به یکی از معضلات شهرنشینی در خصوص فضاهای جنسی اشاره می‌کند. وجود خرابایات خانه‌ها، و همین‌طور فاحشه‌هایی که به طور جداگانه در فضاهای مختلف از جمله فضاهای مذهبی جمع می‌شوند، هم‌چنین خرید و فروش زنان برای امر فاحشگی در خرابایات خانه‌ها، از جمله مشکلات شهری است که غازان‌خان با آن مواجه بوده است. در مجموع ما با دو نوع فضا مواجه هستیم که قابل تأمل است: نخست، ایلیچی خانه‌ها و دوم، خرابایات خانه‌ها. آن‌طور که مشخص است ایلیچی خانه‌ها فضایی برای استقرار و استراحت سفیرهای ایلیخانی بوده، اما نکته قابل تأمل این است که در بخش‌هایی از تاریخ الجایتو و تاریخ جهانگشای، به حضور کنیزان و زنان در این فضا نیز اشارت‌هایی شده است (جوینی ۱۳۸۸، ۳۰۲). آن‌چه از تاریخ برمی‌آید، ایلیچی خانه‌ها را چنگیزخان برای اولین بار میان مغولان ایجاد کرد که به موجب آن، ایلیچیان مغول، در مکان‌هایی قادر به استراحت و تعویض اسب بوده‌اند و بعد در دوران غازان‌خان، ساخت ایلیچی خانه‌ها گسترش یافت. در برخی از موارد، در متون اشارت‌هایی به حضور کنیزان و فاحشگان در ایلیچی خانه‌ها شده است. به عنوان مثال می‌توان به تقسیم غنایم در تاریخ الجایتو اشاره کرد که در آن ذکر شده است که برخی از زنان را به ایلیچی خانه بفرستند! به بیانی دیگر، دلیل احداث ایلیچی خانه‌ها، حفاظت از حریم خصوصی خانواده‌ها و فضای خصوصی آنان است. چرا که عموماً ایلیچیان با ورود به خانه‌های شهری، حریم شخصی خانه را مخدوش نموده تا جایی که تجاوز به زنان و افزایش زنازادگان، تبدیل به مشکل بزرگی شده بود. از طرف دیگر، حضور زنان در ایلیچی خانه‌ها جای تأمل دارد. چنان‌چه بسیاری از کنیزان را با بین سربازان تقسیم می‌کردند و با به ایلیچی خانه‌ها می‌فرستادند. آن‌طور که مشخص است، ایلیچی خانه علاوه بر مکانی برای استراحت ایلیچیان، مکانی برای برطرف نمودن نیازهای جنسی نیز بوده است. اما فضای دوم مربوط به خرابایات خانه‌هاست. خرابایات خانه‌ها به عنوان جزئی از فضاهای شهری به شمار می‌آمدند که در آن خدمات جنسی انجام می‌پذیرفت. البته بسیاری از فواحش در نزدیکی مساجد و دیگر مکان‌های عمومی هم حضور داشتند که بر طبق اصلاحات غازانی، از حضور در این گونه مراکز منع شدند و به احتمال زیاد حضور آنان تنها محدود به حضور در خرابایات خانه‌ها و ایلیچی خانه‌ها بوده است.

● قوریلتای

یکی از دقیق‌ترین فضاهایی که در متون تاریخی دوره ایلیخانی به تصویر کشیده شده، مراسم قوریلتای است که در فضای اردو روایت شده است. قوریلتای^{۱۰} به معنای گرد هم آمدن، جمع شدن و انجمن کردن است.^{۱۱} به روایت منابع تاریخی، همواره در عهد مغول برای گزینش خان جدید، قوریلتای تشکیل می‌گردید. تاریخ جهانگشای، جامع‌التواریخ و همین‌طور تاریخ الجایتو، به‌طور دقیقی به شرح این مراسم پرداخته‌اند و لازم به ذکر است که جامع‌التواریخ و تاریخ الجایتو از لحاظ متنی بسیار وامدار نسخه تاریخ جهانگشای هستند و آن‌طور که از متون برمی‌آید، اسلام آوردن ایلیخانان، خللی در این مراسم مغولی ایجاد نکرده است و ذکر قوریلتای‌های مختلف حتی تا پایان دوران ایلیخانی نیز در تاریخ الجایتو نمود داشته است.

چنانچه از روایت‌هایی که از تشکیل قوریلتای‌های مختلف برمی‌آید، قوریلتای در اردوها و فضاها‌ی بزرگی برگزار می‌شد تا جایی که «از کثرت خلایق بیابان فراخ تنگ گشت». چه در تاریخ جهانگشای و چه در تاریخ مبارک غازانی، مراسم قوریلتای با ریزینی شرح داده شده است، آن چیزی که در گزارش‌ها جلب توجه می‌کند، جایگاه قرارگیری افراد در مراسم است، چنانچه مشخص است خواتین بر یسار و شاهزادگان و درباریان بر یمین بودند. در جشن‌ها، عموماً مراسم کاسه‌گیری در جریان بوده است و عیش و نوش و طرب تا چند روز ادامه می‌یافت. حضور هر گروهی بنا بر طبقات خاص و تشریفات خاصی بوده است؛ معمولاً خواتین رده‌های بالا به همراه شاهزادگان جلوتر از همه وارد مراسم می‌شده‌اند. به شکرانه خان و بنا بر رسم مغول، به سمت خورشید زانو می‌زدند و در نهایت همه حاضران (چه خواتین و چه دیگران)، به عیش و نوش و طرب مشغول می‌شدند. در روایات از حضور مردم عادی سخنی به میان نیامده است و عموماً حاضرین شامل درباریان و گروه‌های نظامی بوده‌اند. در ادامه به بخشی از این دست روایات اشاره می‌شود:

* و آن روز تمامت پادشاه زادگان جمع آمدند و کلاهها برداشتند و کمر باز گشادند و یکی دست و دیگری هردو بگیرفتند و او را بر تخت حکم بالمش پادشاهی نشانند و کاسه گرفتند و خلایق که حاضر بودند اندرون و بیرون بارگاه سه نوبت زانو زدند و او را کیوک خان نام نهادند... پادشاه زادگان در یمین و خواتین بر یسار از غایت لطافت هر یک چون در ثمین بر کرسیها نشستند و در موضع سقاه هر خوش پسری لطیف منظری بنفشه به عذاری گل رخساری غالیه جعدی سرو قدی شکوفه دهانی لوء لوء دندانی خجسته لقانی... زهره زهرا بمطالعه آن مجلس با نوا بر سقف گنبد خضرا نظاره‌گر گشته و ماه و مشتری در غیرت پریوشان آفتاب پیکران در میان خاکستر مشسته و معنیان در حضرت خسرو و جهان باربدوار لب بنوا گشاده و حاضران دیگر از هیبت و سیاست زقان بسته. تا نیم شب برین منوال آن روز جام شراب مالا مال بود و پادشاه زادگان در خدمت شاه بی‌مثال... چون مستان گشتند... عزم خوابگاه کردند و تا روز دیگر... (جوبنی ۱۳۸۸، ۳۴۹-۳۵۰).

چنانچه از متون برمی‌آید روایت‌ها با اغراق زیادی برای هر چه باشکوه‌تر نمایش دادن مراسم شرح داده شده است. همین‌طور زنان بلند مرتبه، دوشادوش مردان در جشن حضور داشتند و به هیچ‌گونه تفکیک‌های فضایی جنسیتی اشاره‌ای نشده است.

ب) فضاها‌ی خصوصی

● فضای حرم

واژه حرم به معنای ممنوع‌بودن است و گاهی به معنای اهل و عیال یک شخص یا محل اقامت‌شان نیز به‌کار می‌رود. واژه حرم در روایات تاریخی مغولان، چندان به چشم نمی‌خورد. در واقع، نکته‌ای که باید در خصوص به‌کارگیری واژه حرم اشاره نمود، مفهومی است که در متون، به کار رفته است. به عنوان مثال در تاریخ جهانگشای، واژه حرم عموماً به معنای جمع زنان و کودکان سلطان به‌کار برده شده است و نمونه‌ای که حرم را به عنوان یک فضای مشخص (حرم‌سرا) عنوان کرده باشد را تنها می‌توانیم در دو بخش مشاهده کنیم که مربوط به تاریخ خوارزمشاهیان است و تحت‌عنوان «سرای حرم» (همان، ۵۷۳) و «به حرم فرستاد» (همان، ۵۹۳) ذکر شده است.

در مجموع تاریخ جهانگشای، تنها در یک‌جا به واژه حرم در میان رخداد‌های مربوط به مغولان اشاره شده است: ... چون حقیقت معلوم می‌شود می‌فرماید که هر دختر که سن او از هفت گذشته باشد جمع کنند و هر کس را که در آن سال بخصم داده‌اند باز ستانند. چهار هزار دختران چون اختر که هر یک را با دلها حالی دگر بود. گرد کردند... ابتدا فرمود تا بعضی را که بنات امرا بودند جدا کردند و تمامت حاضران را یاسا رسانیدند که با ایشان خلوت کنند. از آن جملت دو دختر چون ماه فرو شد و باقیات صالحات را در پیش اردو صف صف بایستند. آنچه لایق اردو بود با حرم فرستادند و قومی باصحاب فهود و جوارح دادند و بعضی را بهرکس که ملازمان درگاه و چند را بخرابات و رسول‌خانه (ایلچی‌خانه)، فرستادند تا خدمت صادر و وارد کنند. آنچه باقی ماندند فرمان شد تا هر کس که حاضر بود از مغول و مسلمان در ربودند و پدران و برادران و اقرباء و خوشان و شوهران ایشان نظاره کنان یاران و مجال آن نه که دم زنند و زبان جنبانند... (همان، ۳۳۱).

در متن فوق، چند نکته مهم نهفته است: نخست، ازدواج اجباری دختران، دوم در اختیار گرفتن دختران با اینکه دست به ازدواج اجباری زده باشند و در نهایت تقسیم آنان بنا بر ویژگی‌های زیبایی و فرستادن آنان به مکان‌های مختلف برای خلوت کردن. در این متن، دختران بین افراد قسمت می‌شوند، گروهی به حرم (فضای تعریف‌شده جنسیتی) برده می‌شوند. مابقی روایت‌هایی که در آن واژه حرم به کار گرفته شده است، مربوط به تاریخ خوارزمشاهیان و داستان فرار حرم سلطان و یا تقسیم آن میان مغولان است:

* مغولان... چون سلطان را نیفتند، بازگشتند و به محاصره قلاع که حرم و خزاین او در آنجا بود مشغول گشتند... چون آوازه هایل آن سلطان رسید و بدانست که حرم او بی حرمت شده‌اند و حشم بی حشمت گشته و پسران خرد معرض سیوف شدند... شعر عربی (پس اکنون زنان، رخساری نشان دادند که دستان پرهیزگاری همواره بر سینه‌های آنان پرده افکنده بود) (همان، ۶۰۳).

– * تا در مدت پانزده روز آب نماند. باضطرار ترکان خاتون و دیگر حرمها و ناصرالدین وزیر بشیب آمدند همان ساعت که ایشان بیای قلعه رسیدند روز از ترش رویی نقاب سحاب فرو گذاشت و میغ در میغ بسی و دست بگریه برد... ترکان خاتون را با پسران و حرمها و ناصرالدین بطالقان خدمت چنگزخان بردند... آنچ پسرینه بودند از فرزندان سلطان هرچند خرد بودند بکشتند و باقی آنچ عورتینه بودند از بنات و اخوات و خواتین که با ترکان بهم بودند چنگیز خان ایشان را می فرمود تا روز کوچ یأواز بر ملک (همان، ۶۸۷-۶۸۸).

در بررسی موارد بالا، چیزی که بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد، اهمیت حرم و حفاظت از آن نزد خوارزمشاهیان بوده است: سپردن حرم به افراد معتمد و انتقال آنان به منظور دور شدن از آسیب‌های احتمالی. حرم در این بخش نیز عموماً به معنای گروهی از زنان و کودکان شاه به کار رفته است. در واقع در این متون، حرم به مثابه دارایی سلطان به شمار می‌آید، چنانچه در جایی حرم و خزاین در کنار یکدیگر به کار برده شده است: «به محاصره قلاع که حرم و خزاین او در آنجا بود مشغول گشتند» (همان، ۶۰۳).

در واقع، معنای حرم در این متون، از ساحت فضایی خارج گشته و به جمع زنان دربار اشاره داشته است که مالکیت آنها مربوط به سلطان است. یکی از مهم‌ترین افرادی که جزوی از این حرم بوده، ترکان خاتون است.

● فضای کاخ و سرای

پیش از مسلمان شدن مغولان، نمی‌توان فضای کاخی را به صورت دقیق بازشناخت، غیر از ارجاعات محدود (در تاریخ جهانگشای و جامع التواریخ) به کاخ قره‌قروم و البته یورت‌های قآن‌ها که چندان زیاد به آنها پرداخته نشده است. تنها در تاریخ جهانگشای است که به باب‌های شهر ایجادشده در قره‌قروم اشاره می‌کند که یکی از آنها مربوط به ورود و خروج خاتونان است. اما بعد از اسلام آوردن ایلخانان، در متون به دو سرای مربوط به الجایتو و ابوسعید اشاره شده است که در هر دو روایت، حضور آزادانه زنان در فضای کاخ شرح داده شده که بعضاً به واسطه حضور عالمان مسلمان و شیوخ، این حضور محدود می‌شده است. به عنوان مثال، می‌توان به این بخش از *سفرنامه ابن بطوطه* اشاره نمود: «سلطان خدابنده دست قاضی را گرفت و به سرای خود برد و زنان خود را بفرمود تا حرمت او به جای آورند و به انفاس او تبرک جویند» (ابن بطوطه ۱۳۷۰، ۲۵۴).

چنانچه مشاهده شد، در سرای سلطان محمد خدابنده، ایلخان مغول، زنان آزادانه در حرکت‌اند و او از زنان خود می‌خواهد که به واسطه حضور قاضی، حرمت او را به جای آورند و در واقع به نوعی حضورشان را محدود سازند. این محدودیت حرکت خاتونان به واسطه حضور شیخی مسلمان را در روایت ابن بزاز در *صفوة الصفا* نیز می‌توان مشاهده نمود. یکی از بهترین نمونه‌ها را می‌توان در روایت مبنی بر وصف مجلسی عنوان کرد که در آن بغداد خاتون، همراه ابوسعید و شیخ صفی‌الدین اردبیلی حضور داشتند:

– در آن مجلس نشسته بودند ناگاه بغداد خاتون – که حلال پادشاه ابوسعید بود – درآمد. شیخ، قدس سره، روی مبارک بگردانید و پشت به او کرد و روی با وزیر کرد. چون سفره آوردند، شیخ قدس سره، یک لقمه به سلطان ابوسعید داد و یک لقمه به وزیر غیاث‌الدین. بغداد خاتون نیز التماس کرد و شیخ التفات نمی‌کرد و پادشاه با وزیر به اشارت التماس می‌کردند

که شیخ، قدس سره، لقمه به بغداد خاتون دهد. پس به ناچار شیخ به دست چپ یک لقمه از پس پشت برداشت تا به بغداد خاتون دادند. آنگاه روی مبارک به ابوسعید کرد و فرمود: ... خداوند تعالی فرموده است که به روی نامحرم نظر کردن حرام است و خدمت سلطان پیش ما بدان آمده است که ما دعا کنیم از بهر شما، و چون نظر کرده باشم، گناهکار باشم و دعای گناهکار چگونه مستجاب آید؟ (ابن بزاز، ۱۳۷۳، ۹۱۲).

و یا در این بخش که مجدداً شیخ صفی از نگاه به نامحرم در فضای کاخ اجتناب کرده است: بغداد خاتون دو کس ایرموک^{۱۲} - یعنی از دخترانکه متشابه به رجال باشند - به حضرت شیخ قدس سره فرستاد به سلام و چنان ظاهر کردند که دو کس از امیرزادگان اند و این معنی امتحان بود یا از طرف بغداد خاتون... دختران چون بر در آمدند و باز خواستند که دستبوس شیخ کنند، شیخ قدس سره دست مبارک درکشید و فرمود: دست نماز دست نماز... شیخ مجال نداد و فرمود که امثال شما نامحرم را مجال نباشد (همان، ۷۹۲).

۹. نتیجه‌گیری

چنانچه مشاهده شد، نسبت میان جنسیت و فضاهای مختلف در متون در قالب فضاهایی که تاریخ‌نگاران روایت کرده‌اند، در بسیاری از عرصه‌ها قابل شناسایی است. به‌صورت کلی، فضاهای شرح داده شده را می‌توان در قالب فضاهایی که خاص مغولان است و فضاهایی که از دل سنت اسلامی ایرانی نشأت گرفته است، بررسی نمود. فضاهای مربوط به مغولان، عرصه‌هایی چون اردوها، یورت و قوریلتهای را شامل می‌شود و فضای برخاسته از سنت ایرانی اسلامی نیز در قالب فضای شهر، حرم‌سرا، کاخ و سرای و البته بازارهای شهری نمود می‌یابد. هرچند که در متون، اشاره زیادی به فضاهای خصوصی نشده و تنها در یک روایت در خصوص ایلچی‌خانه‌ها به فضای خصوصی مردم عادی اشاره شده است.

در فضای اردو، حضور زنان و مردان در کنار یکدیگر، بسیار مرسوم بوده است. زندگی در یورت‌ها، موجب شده فضاهای خصوصی و تفکیک‌پذیری‌های جنسیتی کم‌تری نسبت به شهرها به‌وجود بیاید و در کل، حضور زنان و مردان در عرصه‌های مختلف، این فضا را آزادتر نموده است.

از زمان اسلام آوردن ایلخانان، فضای ابواب‌البر در قالب فضاهای شهری نیز به عرصه‌های ایلخانی اضافه شد و در متون، به فضاهای جنسیتی چون خرابات‌خانه و ایلچی‌خانه اشاره شده است. هرچند فضای ایلچی‌خانه، با کاربری اصلی استراحت‌گاه ایلچیان بوده است ولی بر طبق روایاتی که ذکر آن رفت، زنان نیز در ایلچی‌خانه‌ها خدمات جنسی ارائه می‌داده‌اند. در دوره غازان‌خان، اصلاحات زیادی در خصوص جای‌گیری کنیزان و فواحش در فضاهای عمومی صورت گرفت.

تعارض میان سنت مغولی با شریعت اسلام را در قالب جای‌گیری زنان در فضاهای بازنمایی شده در متون اواخر دوران ایلخانی می‌توان مشاهده کرد. از آن جمله می‌توان به فضاهای بازار اشاره نمود که زنان مغول با لباس‌های آزاد حضور دارند و در عوض، زنان شهری با حجاب اسلامی ظاهر شده‌اند. این تعارض، در فضاهای کاخ نیز نمود داشته چنانچه در روایت ابن بزاز ذکر آن رفت. اما در مجموع به نظر می‌رسد نقش زنان ایلخان بعد از اسلام آوردن، در طبقات اجتماعی بالا تفاوت فاحشی نکرده است و خاتونان هم‌چنان دارای بارگاه و اردوهای خود بوده و از عاملیت زیادی برخوردار بوده‌اند. از طرف دیگر، چنانچه مشاهده شد، فضای حرم، فضایی است که عموماً در جاهایی به‌کار برده شده که راویان، به سرگذشت حاکمان ایرانی و مسلمان اشاره داشته‌اند و این موضوع در تاریخ جهانگشای نمود بسیاری دارد.

هرچند که ظاهراً در متون، توجه مستقیمی به حضور زنان و مردان طبقات عادی جامعه در فضای عمومی نشده است، اما بر اساس سنت‌های اسلامی می‌توان به نفی حضور زنان در فضاهای عمومی اشاره کرد که نمود بارز آن در حسیه‌های ابن‌اخوه قابل مشاهده است (ابن‌اخوه ۱۳۹۴) و کافی است این متن را با یاسای چنگیزی مقایسه نمود تا به آزادی حضور زنان در کنار مردان در فضاهای عمومی پی برد.

پی‌نوشت‌ها

1. Representation Space
2. Henri Lefebvre
3. Nicola
4. Spain
5. Gender
6. Spatial Practices
7. Representation of Space
8. Chronotope

۹. ابواب‌البر به مجموعه‌های معماری و فضاها‌ی مستقل شهری اطلاق می‌شود که در دوره ایلخانی با الهام از اماکن مقدس اسلامی ساخته شده و در مجموع ترکیبی از مجموعه‌های علمی و مذهبی بوده‌اند.

10. Quriltai / Qurilta

۱۱. لغت‌نامه دهخدا

۱۲. واژه ایرموک یا یرموک، در متون دوره ایلخانی چون جامع‌التواریخ و تاریخ فراختاییان نیز ذکر شده است، منظور زنان مردانه‌پوش است. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: فرخی ۱۳۹۳).

منابع

- ابن اخوه. ۱۳۹۴. آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (معالم الفربه فی احکام الحسبه). ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بزاز. ۱۳۷۳. صفوة الصفا. مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات مصحح.
- ابن بطوطه. ۱۳۷۰. سفرنامه ابن بطوطه. ج ۲. ترجمه دکتر محمد علی موحد. تهران: نشر سپهر نقش.
- احمد، لیلا. ۱۳۹۲. زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی در جدال امروزی. ترجمه فاطمه صادقی. تهران: نگاه معاصر.
- آجرلو، بهرام. ۱۳۹۳. «رهیافتی تاریخی به شهرسازی و مجموعه‌های معماری تبریز عهد ایلخانی». دوفصلنامه علمی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام. ش. ۷: ۱-۲۳.
- آژند، یعقوب، مؤلف و مترجم. ۱۳۸۰. تاریخ‌نگاری دوره مغول. تاریخ‌نگاری ایران. تهران: نشر گستره.
- القاشانی، ابولقاسم عبدالله‌بن محمد. ۱۳۴۸. تاریخ‌الجبایو. به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- باتلر، جودیت. ۱۳۸۵. آشفتگی جنسیتی. ترجمه امین قضایی. بی‌جا: نشر مجله شعر.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. معماری و جامعه در دوره ایلخانیان (تحلیل وقف‌نامه رشیدی). ترجمه مهرداد قیومی. فصلنامه علمی گلستان هنر. ش. ۱۲: ۴۸-۷۳.
- بویل، جان. ۱۳۸۰. جویی و رشیدالدین / اهمیت جامع‌التواریخ. تاریخ‌نگاری در ایران. ترجمه و تألیف یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- . ۱۳۹۵. تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان. تاریخ ایران کمبریج. ج. ۵. از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. گردآوری جان بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیانی، شیرین. ۱۳۸۸. زن در ایران عصر مغول. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- پاپلی یزدی، لیلا و آرمان مسعودی. ۱۳۹۴. باستان‌شناسی و جهان چیزهای عصر حاضر. مادیت‌های معاصر. به کوشش لیلا پاپلی یزدی. تهران: نشر حکمت کلمه.
- پلیو، پل. ۱۳۸۲. تاریخ سری مغول. ترجمه شیرین بیانی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- پوراحمد، احمد، و سیروس موسوی. ۱۳۸۹. «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی». فصلنامه علمی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ش. ۱۲: ۱-۱۲.

- جوبنی، علاءالدین عطاملک. ۱۳۸۹. تاریخ جهانگشای جوبنی. ۳ ج. به تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی. تهران: انتشارت فردوس.
- حیدری باباکمال، یدالله، نصیر اسکندری، طاهره شکری، و مرتضی بهرامی نهادفر. ۱۳۹۱. «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون‌ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی». فصلنامه علمی زن در فرهنگ و هنر. ۴ (۴): ۳۹-۵۸.
- دژم خوی، مریم. ۱۳۸۸. «جایگاه متن در باستان‌شناسی دوران تاریخی». دوفصلنامه باستان پژوهشی. ش. ۱۸: ۱۶۴-۱۷۱.
- رجب‌زاده، هاشم. ۱۳۵۵. آیین‌های کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: انتشارات توس.
- روحانی، مسعود، و محمد علیپور. ۱۳۹۴. «سیمای زنان در تاریخ جهانگشای جوبنی». دوفصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی. ش. ۲۳۲: ۸۳-۱۰۸.
- ططری، علی. ۱۳۸۵. «تاریخ‌نگاری دوره مغول (معرفی و بررسی منابع)». فصلنامه پیام بهارستان. ش. ۲: ۶۰-۱۱.
- فرخی، یزدان. ۱۳۹۳. «پژوهشی درباره زنان ارموک در تشکیلات اردوی مغول‌ها (بازخوانی متون فارسی)». دوفصلنامه علمی تحقیقات تاریخ اجتماعی. ۴ (۱): ۸۷-۱۰۷.
- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین. ۱۳۵۸. جامع‌التواریخ. تاریخ مبارک غازی. به سعی کاریل یان. هرتفورد. انگلستان.
- کدی، نیکی آر. ۱۳۹۵. زنان در خاورمیانه گذشته تا کنون. ترجمه هما مداح. تهران: نشر شیرازه.
- کلبدی‌نژاد، مریم، و آرمان مسعودی. ۱۳۹۸. «تحلیل بازنمایی فضاهای جنسیتی در نگارگری دوره ایلخانی بررسی فضاهای جنسیتی شده بر اساس نگاره‌های جامع‌التواریخ و شاهنامه بزرگ ایلخانی». فصلنامه علمی هنرهای زیبا. هنرهای تجسمی. ۲۴ (۲): ۵۷-۶۸.
- لوفور، هانری. ۱۳۹۵. بقای سرمایه‌داری. بازتولید روابط تولید. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: نشر تیسرا.
- لین، جرج. ۱۳۹۰. ایران در اوایل عهد ایلخانان. رنسانس ایرانی. ترجمه سیدابوالفضل رضوی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- معدن‌کن، معصومه. ۱۳۷۵. به یاسا رسیدگان در عصر ایلخانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ملویل، چارلز. ۱۳۹۳. «تاریخ‌نگاری در دوره مغول». ترجمه خسرو حواجه نوری. فصلنامه پیام بهارستان. ش. ۲۴: ۲۰۷-۲۱۶.
- مورگان، دیوید. ۱۳۸۵. «تکامل دو روایت تاریخ‌نگاری آسیایی». ترجمه سید محمود هاشمی. فصلنامه تاریخ. ش. ۲: ۱۴۹-۱۶۶.
- . ۱۳۹۰. مغولها. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- Beebe, Kathryn, Angela Davis, and Kathryn Gleadle. 2012. "Introduction: Space, Place and Gendered Identities: Feminist history and the spatial Turn." *Womens History Review*, 21 (4): 521- 532.
- Elden, S. 2004. *Understanding Lefebvre (Theory and the Possible)*. New York: Continuum.
- Ingold, Tim. 2007. *Lines A Brief History*. New York: Routledge Pub.
- Lefebvre, Henry. 1991. *The Production of Space*. Oxford: Blackwall.
- Nicola, Bruno de. 2018. *Women in Mongol Iran: The Khatuns, 1206- 1335*. Edinburgh University Press.
- Spain, Daphne. 1992. *Gendered Spaces*. University of North Carolina Press.

presence of women in public spaces seems obvious. Such a matter can be seen in the text by Ibn al-Ikhwa. Therefore, when comparing Islamic traditions with the regulations of Genghis, we will recognize the free presence of women alongside men in public spaces.

Keywords: Ilkhanid, Gender and Space, Historical Texts, Islamic City, Camp.

صناعات
همراه ایرا

سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۹

۲۰۷

■ Representation of Gender and Space in Historical Texts from the Ilkhanid Period

Maryam Kolbadinejad

Assistant Professor, Archaeology and History Department, Faculty of Humanities, Islamic Āzād University, Tehran, Central Branch (Corresponding Author).

Email: maryam.kolbadi@gmail.com

Ārmān Mas'udi

MA in Islamic Archaeology, Islamic Āzād University, Tehran, Central Branch.

Receive Date: 9 March 2020, Accept Date: 8 September 2020

Many texts in various fields were written in the Ilkhanid period which by examining them, it would be possible to obtain a clear understanding of the social and political situation of the period in question. Three historical texts will be discussed in this research which narrate political history of the Mongols: *Tārikh-e Jahāngoshāy-e Jovaini* as a first document written in early Ilkhanid period; *Jāmi' al-Tavārikh (Tārikh-e Mobārak-e Qāzāni)* as a text referring to the age of Ilkhans' conversion to Islam; and *Tārikh-e Uljāyṭu* (History of Uljaytu) for events of late Ilkhanid period. In this research, an attempt has been made to understand the relationship between the presence of men and women in different spaces to recognize the gender-oriented spaces regarding the mentioned historical texts remained from this period. Furthermore, a study on the relations of women's presence in public events has been carried out. The social role of women has also been considered in this research.

Among the various spaces represented in the mentioned texts, two main categories were recognized. First, spaces related to the Mongol traditions like *ordu* (royal camp), *yurt* and *quriltai*; and next, individual Iranian-Islamic traditional spaces like urban spaces, palaces, harems and bazaars. In general, private spaces for ordinary people were not mentioned in the texts, except in the narrations related to *Ilchi-khaneh* (embassy). After the Ilkhans' conversion to Islam, some structures like *Abwāb al-Birr* (literally meaning: "doors to beneficence and mercy") appeared. During the reign of Qāzān Khān *Kharābāt-khāneh* (pot-house) and *Ilchi-khāneh* also appeared and organized in urban spaces. According to the texts, the ratio of women to men in the represented areas is higher than their presence in Islamic urban spaces.

The conflict between the Mongol tradition and Islamic law can be seen in the placement of women in spaces represented in the texts of the late Ilkhanids. For instance, in bazaars the Mongol women were present in free style, while other women appeared with *hijab* (wearing a veil). This conflict was also evident in palaces, as mentioned in Ibn-e Bazzāz's narration. Spatial gender segregation is not observed in the royal camp or *ordu*.

In general, it seems that the role of Mongol women after converting to Islam did not change significantly in the upper social classes, and women still had their own courts and camps. Private spaces like harem were generally used in places when narrators have referred to the history of the Iranian and Muslim rulers. This is fairly evident in the history of *Jahāngoshāy*. Unfortunately, it seems that historians have not paid much attention to the presence of men and women of ordinary classes in public spaces. But according to Islamic traditions, lack of the

صناعت
همراه ایرا

سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۹

۲۰۸